

مکتب‌های تاریخی و تجددگرایی تاریخی

○ مجتبی خلیفه

فلسفه تاریخ، مکتب‌های تاریخی، تجدد در تاریخ، فلسفه‌های نوین تاریخ و موضوعاتی از این دست؛ از جمله مباحث بسیار مهم علم تاریخ است که متأسفانه در کشور ما کمتر به آن پرداخته می‌شود. به همین دلیل هم بسیاری از کتاب‌های تاریخی، بدون در نظر گرفتن مبانی نظری تاریخ و روشمند بودن به رشته تحریر درمی‌آیند. استاد محترم جناب آقای دکتر عزت‌الله رادمنش، از جمله معدود اساتیدی هستند که در زمینه فلسفه تاریخ، مکاتب تاریخی و بویژه تاریخ و فلسفه تاریخ در قرآن، تحقیقاتی انجام داده و مقالات و کتب ارزشمندی نگاشته‌اند.^۱ جدیدترین کتاب ایشان یعنی **مکتب‌های تاریخی و تجددگرایی تاریخی** کوششی است در جهت معرفی و بررسی **مکتب‌های نوین تاریخ و بیان سیری که تاریخ و تاریخ‌نگاری از مرحله سنتی به سوی نوگرایی پیموده است.** مؤلف محترم در تدوین این کتاب از منابع زیادی بهره جسته‌اند، که از میان آنها اولویت با منابع به زبان فرانسه می‌باشد. با اینکه منابع در پی نوشته‌ها ذکر شده اما جای کتابنامه در پایان کتاب خالی است.

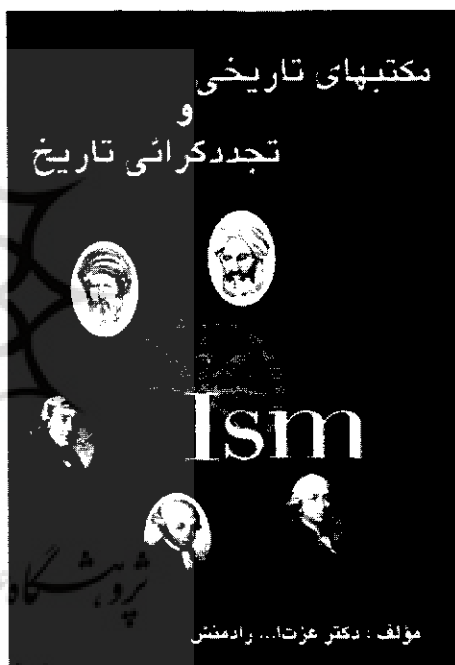
فهرست مندرجات کتاب شامل: مقدمه، دو بخش مجزا - که هر یک به نوبه خود به فصول متعددی تقسیم می‌شوند (بخش اول پانزده فصل و بخش دوم دوازده فصل) و در نهایت فهرست اعلام می‌باشد. مؤلف در مقدمه خاطر نشان می‌کند که در این نوشتار تلاش کرده است تا تطور تاریخ به سوی کمال و انسان‌مداری را تصویر نماید. بخش اول کتاب یعنی «مکتب‌های تاریخی» شامل پانزده فصل می‌باشد:

فصل اول به موضوع تفسیر الهی تاریخ یا «عرفان‌گرایی در تاریخ» مربوط می‌باشد که به گفته نویسنده ریشه‌هایی بس کهن و دیرینه در تاریخ دارد. در این فصل ابتدا طبقه‌بندی ذهن بشر به سه مرحله ۱- مرحله الهی ۲- مرحله فلسفی ۳- مرحله علمی (طبق گفته ویکو و کنت) مطرح گشته و از این حیث، عرفان‌گرایی در مرحله نخست جای گرفته است. به گفته نویسنده از پیامدهای تفسیر الحصر تاریخ علاوه بر جبرگرایی دینی؛ به قول **لوسین فیور** این بود که تاریخ در دست در خدمت گذشته درآمد و از آن حصار خارج نشد و هرگز روی دیدن زمانه را نداشت.^۲ در این قسمت فصلی تحت عنوان «کانت، احیاگر عرفان‌گرایی تاریخی» آمده است که البته در فهرست قید نشده است و طی آن **ایمانوئل کانت** از بزرگترین فلاسفه الهی و از برجسته‌ترین مفسران عرفان تاریخ در قرن نوزدهم به حساب آمده است.

موضوع فصل دوم «اشپنگلر و یاس فلسفی» می‌باشد که در آن سعی شده است نظرات اشپنگلر در کتاب **انحطاط تمدن غرب** در کمال اختصار بررسی گردد و در نهایت از مجموع نظریات اشپنگلر؛ آینده‌ای بی‌هدف و بدون ترقی برای بشر بدست می‌آید.

موضوع فصل سوم «توینی، مفسر روحانی تاریخ» می‌باشد. در این قسمت آراء توینی در مورد تدافع و تهاجم تمدن‌ها مطرح گشته و مورد بررسی قرار می‌گیرد. همچنین عقاید توینی بی در مورد مسائلی مثل انقلاب، تسامح مذهبی، تمدن غرب، دین و بطور کلی تاریخ به بحث گذاشته می‌شود. در نهایت نیز آرمان توینی بی در تاریخ، ساختن جامعه‌ای جهانی که در آن انسان‌ها بتوانند با هم هماهنگ زندگی کنند، همانند اعضای یک خانواده، بیان می‌گردد.

موضوع فصل چهارم «هر در، مفسر آزادی انسان در تاریخ» می‌باشد. که در آن به بررسی آراء و نظریات **هردر**، فیلسوف الهی تاریخ و نویسنده آلمانی پرداخته شده به تأثیر او بر ادبیات آلمان خصوصاً نزد **گوته** اشاره شده است. مباحثی همچون انسان در فلسفه تاریخ **هردر** و شناخت دینی در آثار او نیز در این فصل مطرح می‌شود. از نظر **هردر** «انسان مخلوقی اخلاقی، عقلی و فرهنگ‌ساز است.»^۳ در نهایت نیز به اهمیت



○ مکتب‌های تاریخی و تجددگرایی تاریخی

○ تألیف: عزت‌الله رادمنش

○ ناشر: پیک ستاره، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۹، ۳۱۱ ص.

کتاب مکتبهای تاریخی و تجددگرایی تاریخ کوششی است در جهت معرفی و بررسی
مکتبهای نوین تاریخ و بیان سبیری که تاریخ و تاریخ نگاری از مرحله سنتی
به سوی نوگرایی پیموده است

به گفته نویسنده از پیامدهای تفسیر الهی تاریخ علاوه بر جبرگرایی دینی، به قول لوسین فبور
این بود که تاریخ درست در خدمت گذشته درآمد و از آن حصار خارج نشد و
هرگز روی دیدن زمانه را نداشت

در فصل سوم، پس از بررسی آراء و اندیشه‌های توین بی، آرمان او در تاریخ،
ساختن جامعه‌ای جهانی که در آن انسان‌ها بتوانند با هم هماهنگ زندگی کنند،
همانند اعضای یک خانواده، بیان می‌گردد

در این قسمت نظریات معتقدین به مشیت‌گرایی در تاریخ مطرح
شده، به یهودیان به عنوان اولین قومی که تاریخ را تجلی اراده
الهی تصور کردند اشاره شده است. از شخصیت‌های مشهور
این مکتب: بوسونه، سن آگوستین، لایب نیتس، لئون
گوتیه و... معرفی شده‌اند.

پرویدانسیالیست‌ها می‌گفتند «تاریخ مقدس
تنها تاریخ است و هنگامیکه تاریخ ملتی را
می‌نگاشتند قلب تاریخ همان تاریخ مقدس
بود.»^۴ از مهمترین دستاوردهای مکتب
مشیت‌گرایی «جبرگرایی در تاریخ» بود که
اراده و حق مردم را نادیده می‌انگاشت. در
این فصل به تأثیر این مکتب بر تاریخ‌نگاری
مسلمین نیز اشاره می‌گردد و موضوعاتی
همچون تاریخ‌نگاری کاتولیک‌ها،
دموکراسی و مذهب نزد برخی از مورخان
مطرح می‌شود. این قسمت با بیان آراء و
نظریات الکسی دو توکوویل فرانسوی خاتمه
می‌یابد.

عنوان فصل یازدهم «فلسفه تاریخ تمدن
غرب» می‌باشد که البته عنوانی وسیع و عام
است. این قسمت با تعریفی از فرهنگ و تمدن
آغاز می‌شود و سپس به پیش‌ها و نگرش‌های
نوین تاریخ در غرب پرداخته می‌شود. از جمله در مورد
خصوصیات نوگرایی تاریخ آمده است که: «در
نوگرایی، تاریخ لباس علم و هنر می‌پوشد و مدرن و
متجدد می‌گردد و در رده علم و عالمان بر صدر می‌نشیند،
متنوع، عمیق و پرمکات می‌گردد و حوزه کار خویش را از
حوزه‌های دیگر جدا می‌سازد و به صورت یک علم مستقل
درمی‌آید.»^۵ همچنین در این قسمت اندیشه‌های مکتب

اکسپریمانتال یا ناتورالیسم، از مکاتب نوگرایی تاریخ بیان می‌گردد.
فصل یازدهم کتاب به بحث و بررسی راجع «مکتب متدییک» از دیگر مکاتب
نوگرایی تاریخ اختصاص دارد. مکتبی که مانیفست آن به وسیله موتو نوشته شده
است. اصلی که بیش از همه در مکتب متدییک حائز اهمیت بوده و در حقیقت نقطه
عطفی بر دیدگاه‌ها و مکاتب دیگر می‌باشد عبارتست از: «تاریخ را عینیت آن دیدن و
تاریخ زنده را در جامعه در حال حیات تصویر کردن و روح تاریخ را در کالبد آن در هر
زمان مورد مطالعه قرار دادن.»^۶

فصل سیزدهم کتاب به صورتی مختصر به بحث در مورد «مکتب رلاتیویسم»
پرداخته است، مکتبی که در قرن بیستم بالاخص پس از جنگ جهانی اول ظهور کرد.
این مکتب انعکاس خاص آن زمانه یعنی نسبی‌گرایی در هر نوع دانش بشری بود و
هیچ امر مطلق را قبول نداشت. از بین متفکرین این مکتب نظرات **ترولچ** [ترولتش]،
مانهایم و **شپلر** مطرح شده است. اما هیچ‌گونه صحبتی از تاریخ‌گرایی Historicism
که ترولتش و مانهایم در ارائه معنی روشن از آن نقش زیادی داشتند نشده است.^۷

دین در آراء و افکار فلسفی هر در پرداخته می‌شود.
موضوع فصل پنجم «ویکو: فلسفه ترمی تاریخ» می‌باشد.
این فصل در کمال ایجاز به بیان روند رو به رشد تاریخ (در
سه مرحله ۱- عصر خدایان ۲- عصر قهرمانی ۳- عصر
انسانی) در فلسفه تاریخ ویکو می‌پردازد.

موضوع فصل ششم «میشله و فلسفه مردمی
تاریخ» می‌باشد که در آن به تئوری او یعنی
«برادری ملت‌ها» و «برابری ایده‌ها» اشاره شده،
آثار و عقایدش معرفی می‌شود در نهایت نیز
سبک تاریخ‌نگاری **میشله** مورد بررسی قرار
می‌گیرد و مهمترین ویژگی آن چنین بیان
می‌گردد: «از جاذبه‌های سبک تاریخ‌نگاری
میشله، توتالیزه (Totalise) کردن تاریخ
بود به این عبارت که تاریخ را به شکل یک
سیستم درآوردن و از عناصر تاریخ یک جمع
سیستماتیک ساختن...»^۸

در فصل هفتم یعنی «روسو و هیبوط
در زندگی شهری» نویسنده محترم به
شباهت دیدگاه **روسو** و **ابن خلدون** اشاره
می‌نماید مبنی بر اینکه چون روسو از
طرفداران زندگی طبیعی انسان است و معتقد
است که انسان در طبیعت معتدل ترو متعادل تر
می‌زیسته، بنابراین در این بعد شباهتی بین
دیدگاه روسو و ابن خلدون مشاهده می‌شود و از
این نظر هر دو، شهر را جایگاه هیبوط انسان
می‌دانند.

عنوان فصل هشتم «تاریخ و برخی تفکرات مذهبی
دیگر» است که در آن تفکرات فینالیست‌ها (Finalistes)

یعنی کسانی که معتقدند تاریخ بر اساس یک نقشه قبلی و از پیش
تعیین شده به پیش می‌رود مطرح می‌گردد و در این بین عقاید فیلسوفانی
نظیر **ژاسپر**، **ولنز**، **کروس** و **هوسرل** مورد بررسی قرار گرفته است.

موضوع فصل نهم «مکتب تاریخی پوزیتیویسم» می‌باشد. پوزیتیویسم به فلسفه
تحقیقی **آگوست کنت** گفته می‌شود که اعلام می‌دارد «اندیشیدن انسان، دیگر باید از
شناخت اشیاء و پدیده‌ها به وسیله خود آنها چشم‌پوشد بلکه از راه آزمایش و تجربه در
مورد پدیده‌ها به حقیقت دست یابد.»^۹ در این فصل نظرات **کنت** در مورد جامعه‌شناسی
و فلسفه تاریخ مورد بررسی قرار گرفته و به نقش اساسی او در قاطعیت بخشیدن به
روش علمی اشاره می‌گردد. نویسنده محترم در این فصل معتقد است که با بودن
کتاب **مقدمه ابن خلدون**، وی شایسته عنوان پدر علم جامعه‌شناسی است نه آگوست
کنت.

موضوع فصل دهم «پرویدانسیالیسم یا مشیت‌گرایی تاریخ» می‌باشد که البته جا
داشت این فصل قبل از فصل نهم یعنی پوزیتیویسم قرار می‌گرفت زیرا این مکتب
نگرشی غیرعلمی به تاریخ دارد.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مؤلف: «از جاذبه‌های سبک تاریخ‌نگاری میشله، توتالیزه کردن تاریخ بود به این عبارت که تاریخ را به شکل یک سیستم درآوردن و از عناصر تاریخ یک جمع سیستماتیک ساختن...»

پوزیتیویسم به فلسفه تحقیقی اگوست کنت گفته می‌شود که اعلام می‌دارد اندیشیدن انسان، دیگر باید از شناخت اشیاء و پدیده‌ها به وسیله خود آنها چشم‌پوشد بلکه از راه آزمایش و تجربه در مورد پدیده‌ها به حقیقت دست یابد

از مهمترین دستاوردهای مکتب پروید انسیالیسم یا مشیت‌گرایی، «جبرگرایی در تاریخ» بود که اراده و حق مردم را نادیده می‌انگاشت. در این فصل به تأثیر این مکتب بر تاریخ‌نگاری مسلمین نیز اشاره می‌گردد

عادت و تقلید، نداشتن مسائل جدید، فلسفه‌زدگی، یکسونگری به تاریخ و... ذکر می‌گردد.

در فصل سوم از جهان‌بینی، متدلوژی و ساختار تاریخ نوین بحث می‌شود. ابتدا تحول در جهان‌بینی تاریخ که منجر به ظهور تاریخ مدرن گشت مورد بررسی قرار گرفته به موضوعاتی نظیر: اومانیسیم تاریخی، دینامیسیم تاریخی و تحول در اندیشه تاریخی اشاره می‌گردد. نویسنده

محترم در نتیجه‌گیری

تحول در جهان‌بینی

تاریخی به این نتیجه

می‌رسد که: «تاریخ

در مسیر تکوینش از

بیوگرافی‌نویسی و

تراجم و توصیف

شخصیت به

اشارات در مورد

شرح و احوال

مردم پرداخته از

دیکتاتوری به

دموکراسی بازنهاله

است.»

در

قسمت دوم این

فصل نیز برخی

مکاتب جزئی تاریخی

ملرن همچون دسکریپتیو،

ابزکتیو، فتنیست‌ها، تسامح

تاریخی، توتالیسم و... معرفی

می‌شوند.

فصل چهارم «تجربه‌گرایی تاریخ» نام دارد. نویسنده در این فصل نظرات موافقین و مخالفین تجربی بودن تاریخ را مورد بحث و ارزیابی قرار می‌دهد و به حق نتیجه می‌گیرد که: اصلاً قیاس علوم انسانی و علوم طبیعی کاری منطقی نیست و مانند آنست که شیء را با انسان یا انسان را با حیوان مقایسه کنیم.

در پایان این فصل نیز موضوعات مورد بحث در تاریخ‌نگاری مدرن، فهرستوار آورده شده است.

فصل پنجم «نوگرایی تاریخ در آلمان» نام دارد. در این قسمت سیر تکامل تاریخ‌نگاری در آلمان از تلقی آلمانیها از تاریخ با عنوان «میکرو تاریخ» یا تاریخ کوچک که تاریخ گذشته را گویند تا «ماکرو تاریخ» یا تاریخ بزرگ که تاریخ نوین را گویند سخن به میان می‌آید. نویسنده در این زمینه می‌نویسد: «تقریباً از ۱۹۶۰ تا ۱۹۷۰ م. به کلی روش سنتی تاریخ‌نگاری در آلمان منسوخ شده و تاریخ بقای خویش را با علوم دیگری همچون: علوم اجتماعی، سیاسی و اقتصادی پیوند زده است. نیز تمام هم تاریخ در آلمان مصروف جامعه و فرهنگ گشته است.»

فصل ششم به معرفی «تاریخ‌نگاری در انگلستان» اختصاص دارد و جنبه‌های کاربردی تاریخ‌نگاری در انگلستان را فراتر از آلمان می‌داند. نویسنده نقش مورخان را در بویایی جامعه کنونی انگلیس بسیار مهم دانسته در این باره چنین می‌نویسد: «در

فصل چهاردهم راجع به «مکتب آنال» می‌باشد. در این فصل شیوه و اندیشه تاریخی مکتب آنال در آراء و اندیشه‌های متفکرین آن همچون: ل. فبور، م. بلوش، ف. برودل و پ. گوبر مورد بررسی قرار گرفته است. در مکتب آنال تاریخ برای کامل کردن معرفت خودش، مطالعات تحقیقاتی نظیر: آمار، تاریخ هنر، باستانشناسی، زبان‌شناسی و دانش‌های دیگر را به یاری می‌طلبد و در روند صعودی خویش علوم دیگری نظیر اتنولوژی (نژادشناسی) و جمعیت‌شناسی را به یاری فرا می‌خواند. این فصل با بیان تقابل مکتب آنال و مکتب استروکتورالیسم structuralisme - که توسط اشتراوس در مردم‌شناسی پیاده شد و مخالف تاریخ بود - خاتمه می‌یابد.

در فصل پانزدهم - آخرین فصل بخش نخست - یعنی «مکتب تاریخی قرآن» نویسنده به بررسی مختصات و ویژگی‌های مکتب تاریخی قرآن پرداخته و از جمله این ویژگی‌ها: تسامح، بینش بی‌طرفانه تاریخ، تکوین تمدن‌ها در قرآن، توحید، انتخاب‌گری، ترکیب مباحث مختلف در تاریخ، ترقی تاریخ در قرآن و... را بعنوان ویژگی‌های مکتب تاریخی قرآن بیان می‌دارد. نویسنده محترم در مورد توجه به مردم در بینش تاریخی قرآن می‌نویسد:

«از خصایص تاریخ‌نگاری و بینش تاریخی قرآن این است که بیش از هر چیز تاریخ به مردم توجه دارد و در واقع استوانه و محور گردش تاریخ، مردمند. همه چیز رنگ و فلسفه مردمی دارد.» و از این نظر محور تاریخ در قرآن را «انسان و ملت» می‌داند. باز براساس این بینش نویسنده مکتب تاریخی قرآن را مکتب اصالت عمل معرفی می‌نماید.

بخش دوم کتاب یعنی «تجددگرایی تاریخ» نیز شامل دوازده فصل با مباحث زیر است: در فصل اول با عنوان «جدال بر سر علمی بودن یا غیرعلمی بودن تاریخ» نظرات موافق و مخالف راجع به علمی بودن تاریخ ارائه شده است و آراء برخی مخالفین سرسخت علمی بودن تاریخ

همچون: مارو، گراویتز، پل والرئ،

بکر، ریمون آرون و...

و طرفداران علمی بودن تاریخ

مثل: سن سیمون،

شوینهاور، و دکارت

مورد تحلیل و بررسی

قرار گرفته است.

در فصل دوم

«کهنه‌گرایی

تاریخ»، تاریخ و

تاریخ‌نگاری سنتی

مورد نقد و بررسی

قرار گرفته است.

در این زمینه به

تاریخ‌نگاری در

یونان، قرون وسطی

و کهنه‌گرایی تاریخ

تا اواسط قرن بیستم

پرداخته شده است. از

خصیصه‌های این نوع

تاریخ‌نگاری: مشیت‌گرایی

و تأثیر اراده الهی در وقوع

رویدادها و عدم توجه به انسان،

اصلی که بیش از همه در مکتب نوگرایی «متدیک» حائز اهمیت بوده و در حقیقت نقطه عطفی بر دیدگاه‌های مکاتب دیگر می‌باشد، عبارتست از: «تاریخ را عینیت آن دیدن و تاریخ زنده را در جامعه، در حال حیات تصویر کردن و روح تاریخ را در کالبد آن در هر زمان مورد مطالعه قرار دادن.»

در مکتب آنال، تاریخ برای کامل کردن معرفت خودش، مطالعات تحقیقاتی نظیر آمار، تاریخ هنر، باستان‌شناسی، زبان‌شناسی و دانش‌های دیگر را به یاری می‌طلبد و در روند صعودی خویش علوم دیگری نظیر اتنولوژی (نژادشناسی) و جمعیت‌شناسی را به یاری فرا می‌خواند

تشکیلات اداری جامعه انگلستان، مورخین جایگاه منحصر به فردی دارند و تقریباً کمتر مسأله‌ای است که بدون اتکاء به آنان صورت

پذیرد. نخبه‌های اقتصادی، بازرگانی

اعم از بازرگانی خارجی یا

داخلی از مورخین به‌عنوان

راه‌یاب استفاده نموده،

همواره بدان‌ها در امور

متشبت می‌شوند.»^{۱۳}

موضوع فصل

هفتم «تاریخ‌نگاری

در فرانسه» است.

در این فصل

اهمیت تاریخ نزد

دولتمردان و مردم

فرانسه بیان شده و

به اهمیت تاریخ

به‌عنوان یک اصل

سیاسی، اقتصادی و

ملی نزد فرانسویان

اشاره می‌گردد.

موضوع فصل هشتم

«تاریخ‌نگاری در ژاپن»

می‌باشد که طی آن تاریخ‌نگاری

مدرن ژاپن از بدو تاسیس دانشگاه

سلطنتی توکیو در سال ۱۸۸۷ م. و آغاز به کار

دیپارتمان تاریخ در آن تاکنون مورد بحث واقع شده است. گرایش به مدرنیزه

کردن تاریخ از یکسو و اندیشه انتقادی از سوی دیگر از ویژگی‌های تاریخ‌نگاری

مدرن ژاپن قلمداد شده که در این فصل به آن پرداخته شده است.

موضوع فصل نهم «تاریخ‌نگاری در چین» می‌باشد. نویسنده در این قسمت

ابتدا به بیان پیشینه تاریخ و تمدن چین پرداخته سپس در کمال اختصار بیش‌تر نوین

تاریخ‌نگاری در چین را مورد بررسی قرار می‌دهد و ضمن آن به تأثیر تجربیات ژاپنی‌ها

در نوگرایی تاریخ بر چینی‌ها اشاره می‌شود.

در فصل دهم «نوگرایی تاریخ در آفریقا»، تاریخ‌نگاری در آفریقا که از کنفرانس

پاریس در سال ۱۹۱۹ روی محور «پان‌آفریکنیسم» به چرخش درآمد تا زمان حال مورد

بررسی قرار می‌گیرد و به نقش روشنفکران و مورخین بزرگ این قاره در گرایش به

علم تاریخ برای نجات ملتشان اشاره می‌گردد که از جمله آنها می‌توان به و. آ. دیوای

پلیدن و دیوپ اشاره نمود. همچنین به نقش و. د. کولی، مورخ آفریقایی به‌عنوان

اولین کسی که تاریخ آفریقای مسلمان را مرجع تاریخ آفریقاییان قرار داده است اشاره

می‌شود.^{۱۴}

موضوع فصل یازدهم «معنی تاریخ» می‌باشد. در این قسمت معنی تاریخ از دید

نویسندگان بزرگی همچون: توین‌بی، ابن‌خلدون، برتراند راسل، ماکس وبر، مارک بلوش

و... بیان شده است. نویسنده در مورد معنی تاریخ می‌نویسد: «در کشف معانی یا

معنی تاریخ باید متقاعد شد که تاریخ به تصادف و اتفاق بوجود نیامده است. معنی

تاریخ همیشه با معنی انسان درهم آمیخته و گذشته هر ملت در زندگانی امروز آنان

جاری است.»^{۱۵}

فصل دوازدهم و پایانی کتاب به موضوع «تجددگرایی در تاریخ قرآن» می‌پردازد.

بطور کلی نویسنده در این فصل بر آن است تا با مقایسه اسلوب و سبک تاریخ‌نگاری

در قرآن با متدهای گوناگون دیگر: علمی بودن، کاربردی بودن، نوآوری، تنوعات و از

همه مهمتر ابدی و دائمی بودن معانی، سنت‌ها، اصول و قوانین در تاریخ قرآن را به

اثبات برساند.

پی‌نوشت‌ها:

۱- از جمله دیگر آثار ایشان می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

● تاریخ در قرآن، مشهد، انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۶۸.

● کلیات عقاید ابن‌خلدون (درباره فلسفه، تاریخ و تمدن)، تهران، انتشارات قلم، بی‌تا.

● سبک‌های تاریخی و نظریه‌های نژادی تاریخ، تهران، کویر، ۱۳۷۰.

● فلسفه تاریخ از دیدگاه قرآن و متفکران، فصلنامه

مطالعات تاریخی، سال اول، شماره ۴،

زمستان ۱۳۶۸، ص ۵۱۴ - ۴۷۱.

۲- رادمش، عزت‌الله: مکتب‌های

تاریخی و تجددگرایی تاریخ، تهران،

انتشارات مؤسسه فرهنگی پیک

ستاره، ص ۱۱.

۳- همان، ص ۴۳.

۴- همان، ص ۳ - ۵۲.

۵- همان، ص ۶۰.

۶- همان، ص ۷۷. در

تاریخ‌نگاری مقدس

(هژبوگرافی) اشیاء و افراد

مقدس دانسته می‌شود و

رابطه ایمانی بین مورخ و

اشیاء برقرار است.

۷- همان، ص ۱۱۱.

۸- همان، ص ۱۲۱.

۹- برای اطلاع بیشتر از

اصطلاح تاریخ‌گرایی مراجعه شود

به:

- ادواردز، پل: فلسفه تاریخ

(مجموعه مقالات از دایرة‌المعارف

فلسفه) ترجمه بهزاد سالکی، تهران،

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۷۵.

ص ۱۸۰.

۱۰- رادمش، پیشین، ص ۱۵۸.

۱۱- همان، ص ۲۰۲.

۱۲- همان، ص ۳۳ - ۲۳۲.

۱۳- همان، ص ۲۴۰.

۱۴- همان، ص ۲۷۰.

۱۵- همان، ص ۲۸۹.